

نمایشگاه رسانه‌های ایران؛ حیرت، حسرت و واقعیت



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

بیست‌و‌چهارمین نمایشگاه رسانه‌های ایران که ۴ روز در مصلاى تهران برپا بود، بر خلاف اعلام دیروز تمدید نشد و به پایان رسید. ادب و اخلاق ایجاب می‌کند وقتی خود در آن شرکت کرده بودیم و طی این ۴ روز مجال دیدار و گفت‌وگوى چهره به چهره با مخاطبان و تجدید دیدار با همکاران را یافتیم، از برگزارکنندگان سپاس‌گزارى کنیم که بعد از ۶ سال وقفه این چراغ را دوباره روشن کردند و همین عدد ۶ نشان می‌دهد که چرا قطار نمایشگاهی که نخستین آن در سال ۱۳۷۲ برپا شد، امسال به ایستگاه ۲۴ رسید و نه ۳۰.

در مقدمه‌اى نمى‌توان ماند و باید سراغ‌ذی‌المقدمه رفت و جدای حضور در نمایشگاه و تشکرهای معمول میهمان از میزبان نکات دیگری را بازگفت.

نخست اینکه بر خلاف نمایشگاه بین‌المللی کتاب که در دوران وزارت سیدمحمد خاتمی در ارشاد شکل و پا گرفت، نمایشگاه مطبوعات به دوران بعد از او مربوط است و در همان دوره کوتاهی که علی لاریجانی از ۱۳۷۱ تا میانهٔ ۱۳۷۲ وزیر ارشاد بود.

اصول گریبان که در آن زمان با عنوان جناح راست شناخته می‌شدند، مایل بودند به جامعه این پیام را منتقل کنند که در غیاب وزیر مدارا جو و اهل تعامل با رسانه (خاتمی) قرار نیست فضا بر آنان تنگ شود هر چند که بعد از علی لاریجانی و با آمدن سیدمصطفی میرسلیم روشن شد آن تلقی نادرست نبوده است.

در همان نمایشگاه اول مجله کیان در سرمقاله خود از آن نه به عنوان جشنواره که به منابه سوگواره یاد کرد.

موضوع دیگران البته این قدر منفی نبود چون در جوار نمایشگاه کتاب برگزار می‌شد و انبوه مخاطبان آن نمایشگاه را به سوی سالن‌های مطبوعات در محل دائمی نمایشگاه‌ها سوق می‌داد.

تا ۱۳ سال نمایشگاه مطبوعات همچنان همراه با نمایشگاه کتاب برگزار می‌شد هر چند در دوران اصلاحات ابتکار جشنواره مطبوعات هم شکل گرفت تا خود روزنامه‌نگاران هم آثار خود را عرضه کنند. از ۸۵ به بعد نمایشگاه مطبوعات مستقل شد و جالب است که این اتفاق باز در دوران وزارت یک وزیر اصول گرا رخ داد که از چهره‌های اصلی ومدتی سردبیر روزنامه‌های بود که بعدتر نگاه نمایشگاه مطبوعات را تحریم می‌کرد مانند اردیبهشت ۱۳۷۸ و هم‌زمان با استیضاح وزیر دولت اصلاحات (عطاءالله‌مهاجرانی).

چرخ دولت و ارشاد اما باز چرخید و در دوران روحانی کمی نسیمی وزید و نمایشگاه همان حال و هواراد را بیخندان بعد از ۱۳۸۸ بازتاباند.

از ۱۳۹۶ به بعد اما به‌خاطر تجمع سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری و اتفاقات دی‌ماه همان سال و بعد از آن هم آبان ۱۳۹۸ و چند سال کرونا وقفه افتاد تا ۱۴۰۲ اما چرا نمایشگاهی که به لحاظ

سنی ۳۰ساله است همچنان نوپا به نظر می‌رسد؟ مهمترین دلیل این است که برگزارکننده نه‌نهاد صنفی مطبوعات است که از ۱۳۸۸ در حقاقت است و محروم از فعالیت و معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد برگزار می‌کند که طبیعاً در هر دولت تغییر می‌کند. پشتیبانی و حمایت مادی ولجستیک دولت یک بحث است و اجرا و صبغهٔ دولتی و رسمی و حضور مدیران دولتی و توقع مصاحبه و عکس در غرفه‌ها و چربش روابط عمومی بر فعالیت مستقل رسانه‌ای موضوعی است دیگر.

نه‌تنها رویکردها متفاوت است که حتی بر سر زمان و مکان هم اتفاق نظر وجود ندارد. کما اینکه سال‌ها در محل دائمی

نمایشگاه‌ها در بزرگراه ستول برگزار می‌شد و بعد به مصلاى تهران انتقال یافت که برای منظوری دیگر چنددهه است در حال ساخت و تکمیل آن‌اند و از ابتدا به‌عنوان سازه نمایشگاهی مطرح نشده و تازه خود مصلاهم در محلی احداث شده که پیش از انقلاب قرار بود به‌عنوان شهستان پهلوی به «داون تاون» هسته شهر-تهران تبدیل شود تا با تمرکز فعالیت‌های اداری و تجاری به یاری خطوط مترو از بار ترافیکی تهران بکاهد و حالا با هر نمایشگاه محدوده قابل توجهی را از حیث آمدو شد نتیجهٔ عکس داده.

وجه دوم و مهم‌تر اما اینکه این نمایشگاه پاره‌ای از واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی و رسانه‌ای را عیان و عریان نشان داد. اینکه نهادهای پر خوردار از بودجه‌های رسمی چه‌فارغ‌البال و مسموالبیند و مستقل‌ها با چه تنگناهایی روبه‌رو. اینکه اگر تیر توقیف‌کنیری از رسانه‌های مستقل چاپی و کاغذی را از پا نینداخته بود، بسیاری نکوچیده بودند و مراد از این کوچ هم کوچ برخی فعالان رسانه‌ای به خارج از کشور است و هم به مشاغل دیگر از کشاورزی و مزعه‌داری که اقتصاد به‌سامان‌تری دارد تا کار در اسنپ و کافه و برخی شغل‌های دیگر تنها برای گذران روزمره.

کوچ تکان‌دهنده و بزرگ اما از خیل مخاطبانی سرزده که به جای خرید چند روزنامهٔ داخلی در یک روز (همچون سال‌های ۱۳۷۸ و اوایل ۱۳۷۹) اطلاعات خود را از شبکه‌های خارجی دریافت یا به فضای مجازی به‌منابه رسانه‌های حرفه‌ای اعتماد می‌کنند.

به‌لحاظ سیاسی و انتخاباتی هم کافی است نمایشگاه مطبوعات در بهار ۱۳۷۶ و قبل از انتخابات دوم خرداد آن سال با زمستان امسال و پیش از انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مقایسه شود.

اصول گرایى ایرانی البته در این ۲۶ سال در یک موضوع موفق بوده است. تا توانسته به طرق گوناگون در تضعیف بنیه ظاهری و نه تأثیرگذاری کیفی و معنوی طرف مقابل و تقویت کمی نیروی خودی کوشیده اما به دو آسیب توجه نکرده و نمایشگاه این هر دو را بیشتر نشان داد: یکی اینکه آن رانندگان مخاطبان به جذب آنان به خود نینجامیده بلکه به‌جانب دیگری سوق داده‌اند و این برای آنان نه‌جای بالیدن که جای نالیدن دارد.

دو دیگر اینکه تقویت بنیهٔ خودی به لطف کمک‌های بی‌دریغ دولتها در زمانی بوده که قوه اجرائی را در اختیار داشته‌اند و نیز نهاده‌ها و ارگان‌ها که فارغ از گرایش وزارت ارشاد دستى گشاده داشته‌اند و دارند.

هیچ‌یک از این نکات نفی‌کننده امکانی نیست که طی این ۴ روز برای ارتباط بیشتر با مخاطب فراهم آمد اگرچه حیرت و حسرت باقی می‌ماند. حیرت از اینکه چرا ۳۰ سال تجربه انباشته نمی‌شود و ما همچنان دوره می‌کنیم شب‌ر و روز را، هنوز را و این حسرت که نمایشگاه می‌تواند فرصتی برای ارتباط با بزرگترین رسانه‌های دنیا باشد تا با گشتی در آن انگار در آسمان بزرگترین بنگاه‌های رسانه‌ای جهان پرواز می‌کنی و از هریک توشه‌ای برمی‌داری و چنین اتفاقی نمی‌افتد و ما همچنان دوره...

کار رسانه اما انعکاس واقعیت است و نمایشگاه رسانه‌های ایران واقعیت سیاست و رسانه در ایران را با تمام کاستی‌ها و سردی‌ها و امیدهای برپادشده و تکاپوهای باقی مانده بازتاباند.

اگرچه این حس که با دنیا ارتباط نداریم تلخ و آزارنده بود ایضا غیبت بسیاری از چهره‌های شاخص سیاسی و رسانه‌ای اما همین که همهٔ دریچه‌ها هنوز بسته نیست و مخاطبان بی‌هیچ نفع مادی و به‌رغم همهٔ دغدغه‌ها جست‌وجو و لطف را فرورنگاسته‌اند از آن تلخی می‌کاست.

می‌خواستیم با قول مشهور مرحوم ناصرالدین‌شاه (همه چیز مان به همه چیز مان می‌آید) تمام کنیم اما دریغ است که به دوقی که در انتخاب شمار نمایشگاه به کار رفته اشاره نشود: نجستم همیشه جز از راستی...

پرونده پرابهام

با بازگرداندن بدهی بابک زنجانی سر نوشت او چه خواهد شد؟



الهه ابراهیمی

دبیر گروه خبر

در نهایت گویا گروه پرورنده بابک زنجانی باز شد و آنگونه که مسئولان دولتی و قضایی سخن گفته‌اند، بدهی او کامل به‌صورت ارزی به حساب بانک مرکزی واریز شده است. گویا در بازگشت این اموال، زنجانی کمال همکاری را با دستگاه قضا و اطلاعات سپاه داشته است و امالی که از او به کشور وارد شده، به میزانی است که می‌تواند تمامی بدهی‌های او را پرداخت کند. هر چند جزئیات دقیقی از این موضوع منتشر نشده اما سوال مهم این است که چه شد که او بعد از سال‌ها مقاومت در نهایت با سپاه و دستگاه قضا تصمیم به همکاری گرفت؟ آنگونه که بیان شده است او در سال ۱۳۹۷ در دوران ریاست سیدابراهیم رئیسی در دستگاه قضا برای بازگرداندن این اموال اعلام همکاری داشته اما چرا در آن دوره این همکاری فرجامی نداشته است؟ مهمتر اینکه چرا او در دولت گذشته با وجود شکایت وزارت نفت و پیگیری دولت وقت، حاضر به همکاری برای پرداخت بدهی‌های خود نشد و چگونه دستگاه قضا کنونی موفق شد تا این بدهی‌ها را وصول کند؟ سوالات در این پرونده بسیار است؛ همانند زمانی که دولت احمدی‌نژاد به او اموریت داد تا با دور زدن تحریم‌ها نفت بفروشد اما و جوه حاصل از آن را به کشور بازگرداند. اینکه او حدود ۱۰ سال اموال مردم را توانست در ید اختیار خود داشته باشد و با وجود حکم اعدام برای او اما حاضر به بازگرداندن آن نباشد، پشت پرده پرونده بابک زنجانی از همان روزهای نخست ورود او به بازی فروش نفت بسیار است

و همچنان نیز دست‌های پشت‌پرده در این پرونده بسیار، به‌خصوص که در آستانه برگزاری انتخابات این خبر منتشر شد. بنابراین اگر چه بازگشت اموال مردم خبر خوشایندی است اما ابهامات موجود در پرونده زنجانی نه‌تنها کاسته نشد بلکه بیش از گذشته شده است؛ ابهاماتی که به گفته محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا باید امیدوار بود که به‌تک‌تک آنها توسط نهادهای ذی‌ربط به‌خصوص دستگاه قضا پاسخ شفاف داده شود. بازگشت اموال مردم بعد از ۱۰ سال آن هم در شرایطی که به‌تازگی فساد ۳ میلیارد دلاری دیش در دولت سیزدهم منتشر شده است، قطعاً می‌تواند خبر خوشایندی برای مردمی باشد که از قضا این‌روزها در تنگناهای تحریم، روزگار سختی را به سر می‌برند. امید بر اینکه در آستانه اتمام سال بخشی از کمبودهای مالی دولت برای تأمین هزینه‌های جاری تأمین شود تا شاید روند افزایش ارز اندکی به تعویق بیفتد. تسویه بدهی زنجانی به مبلغ یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو در شرایط کنونی برای دولت مردمی رئیسی، همانند امداد غیبی است که می‌تواند کسری بودجه حدود ۴۰۰ همتی دولت را مرمه باشد زیرا آنگونه که برآورد شده است این بدهی ۱۲۰ همت است که هم‌اکنون در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته است. بنابراین در این فضا اگر دولتمردان دچار شغف شوند و مکرراً از تریبون‌های مختلف نسبت به آن بپردازند، توجیه منطقی خاص خود را خواهد داشت. برای همین است که در چند روز گذشته بعد از اعلام خبر آن توسط رئیس دستگاه قضا به‌وفور در مورد آن توسط دولت اطلاع‌رسانی شده و تقریباً به‌شوی تبلیغاتی دولت تبدیل شده است.

بابک زنجانی مهمترین محور جلسه روز گذشته دولت

بازگشت بدهی‌های بابک زنجانی به کشور عنوان مهمترین محور اظهارات مسئولان دولتی در روز گذشته بود. این موضوع اگرچه خبر خوشایندی است اما تاکنون جزئیات دقیقی از روند آن منتشر نشده است. سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری،

بیش از ۱۲۰ مرکز همسان‌گزینی فعال هستند

در جست‌وجوی همسر

گروه خبر: مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان، از صدور مجوز و فعالیت بیش از ۱۲۰ مرکز همسان‌گزینی یا مراکز فعال در امر همسریابی خبر داده است. به گفته این مقام مسئول، صدور این مجوزها از سال ۱۴۰۱ آغاز شده و همچنان ادامه دارد. مجوز تاسیس و فعالیت مراکز همسریابی، براساس تبصره ماده ۲۷ قانون جوانی جمعیت از سوی وزارت ورزش و جوانان صادر می‌شود. سوال مهم این است؛ جوانانی که در سن ازدواج هستند، مشکلی برای پیدا کردن فرد مناسب برای ازدواج دارند؟ یا عوامل دیگری مانع از تشکیل خانواده آن‌ها می‌شود؟

فعالیت در کل کشور

مهدی متقی‌فر، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش است. مقام مسئولی که روز گذشته در گفت‌وگو، مسئله

گزارش یک

در جلسه هیئت دولت، با اشاره به اعلام خبر بازگرداندن اموال بابک زنجانی به کشور، تلاش‌های سازمان اطلاعات سپاه و نیز همکاری مسئولان قوه قضائیه را که با هم‌افزایی و پیگیری مجذانه اطلاعاتی و قضایی این پرونده را به نتیجه رساندند، شایسته قدردانی دانست و اظهار کرد: «این اموال به‌طور کامل متعلق به ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران است و به‌عنوان پشتوانه پولی کشور به خزانه بانک مرکزی باز می‌گردد.» محمددقیق، معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران در رابطه با پرونده بابک زنجانی اظهار کرد: «بابک زنجانی سال ۹۷ از زندان به مسئولین نامه زد که «من در خارج از کشور اموالی دارم و می‌توانم بدهی‌ام را برگردانم»؛ رئیس وقت قوه قضائیه هم فرصتی برای بازگشت پول به او داد. بخشی از بدهی زنجانی پیش‌تر با توقیف اموال او در داخل کشور پرداخت شد و بخش دیگر بدهی او هم با کالای ارزشمندی که وارد کشور شده، پرداخت شد.» او گفت: «حکم دادگاه زنجانی از ابتدا این بود که اگر اموال برگردد، اعدام نمی‌شود.»

همچنین سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی نیز در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره بازگشت اموال بابک زنجانی اظهار کرد: «تأخیری به‌ویژه در دوره گذشته اتفاق افتاده بود اما در دو سال گذشته با همکاری‌ای که همه بخش‌ها با دستگاه قضایی کردند، پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای داشت. به‌ویژه بانک مرکزی و وزارت نفت و از همه این‌ها مهم‌تر اقدام جهادی برادران مان در اطلاعات سپاه که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشت این اموال داشتند. جا دارد از همه در قوه قضائیه که اهتمام داشتند و این پرونده به نتیجه رسید و نشان داد اگر بر موضوعات مختلف این همراهی و همدلی و همکاری بین بخش‌های مختلف باشد، حتماً این موارد به نتیجه مطلوب می‌رسد.» او ادامه داد:

«باید یک تشکر ویژه هم از قاضی شجاع این پرونده داشت که پرونده را به نتیجه رساند. قبل از این دو سال احساس می‌شد که یک مقاومتی در بخش‌های دیگر هست که این کار به نتیجه نرسد ولی با این همکاری که در این دو سال شکل گرفت، این یک نمونه خوب و موفق بود.» رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در پاسخ به سوالی درباره جزئیات این پرونده گفت: «چون به هر حال پرونده توسط دستگاه قضایی جمع شده است، اطلاعاتیه خوبی هم دیشب دادند که به مسئله کمک می‌کند. بخشی از اموال و دارایی‌هایی که خارج شده بود، دوستان مان یک کار جهادی در اطلاعات سپاه برای شناسایی این اموال و دارایی‌ها انجام دادند. در این مسیر هم وزارت نفت و هم بانک مرکزی کمک کردند.»

او در پاسخ به این سوال که آیا اموال به خزانه واریز شده یا خیر؟ گفت: «اجازه دهید در این موضوع دستگاه قضایی که متولی پرونده است، اطلاع‌رسانی کند. همانطور که در این یکی دو روز هم رئیس قوه قضائیه و بقیه بخش‌ها اطلاع‌رسانی کردند. این موضوع به تدریج توسط مسئولان اطلاع‌رسانی می‌شود.» البته محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی اول اسفندماه در این باره پاسخ داده بود. او در این باره گفته بود: «پیرو مصاحبه رئیس قوه قضائیه درباره شناسایی اموال بابک زنجانی در خارج و انتقال آن به تهران تأکید می‌گردد که اموال بازگردانده‌شده این فرد، دارایی‌های ارزی است و تماماً به خزانه بانک مرکزی منتقل شده است.»



نگاهی به پرونده بابک زنجانی

این روزها نام بابک زنجانی مجدداً بر سر زبان‌ها افتاده است؛ پرونده‌ای که با شکایت وزارت نفت از فردی با عنوان «ب.ز.» کلید خورد. در آن مقطع زمانی موضوع شکایت وزارت نفت از بابک

گزارش دو

اعطای مجوز به مراکز همسریابی را مطرح کرد. البته متقی‌فر این نکته را نیز گوشزد کرد که وزارت ورزش به هیچ‌سایتمی مجوز همسریابی نمی‌دهد، بلکه مجوز به مرکزی که قصد فعالیت در این حوزه را داشته باشند، داده می‌شود که ممکن است بعضی از این مراکز سایت هم راه‌اندازی کنند. متقی‌فر از برگزاری دومین رویداد ملی صبا نیز خبر داد. این رویداد، دوم و سوم اسفند ۱۴۰۲ (روز گذشته و امروز) در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد. اولین رویداد ملی صبا، اردیبهشت امسال برگزار شد و دلیل برگزاری آن نیز «هم‌اندیشی مراکز فعال در انتخاب همسر» است. مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی وزارت ورزش، در افتتاحیه این رویداد گفت: «به دلیل فقدان فرهنگ‌سازی در این حوزه، تعداد مراجعات ماه به مراکز همسان‌گزینی محدود است و این مراکز علاوه بر وظایف و تکالیفی که دارند باید در زمینه جلب اعتماد جوانان و فرهنگ‌سازی مراجعه به مراکز برنامه‌ریزی داشته باشند.»